

## تأملی بر ساختار و محتوای اسناد عرایض بررسی موردی: عرایض اصناف در دوره ششم تا هشتم مجلس شورای ملی

زهره شیرین بخش<sup>۱</sup>

### چکیده

در میان منابع مورد اتکاء در مطالعات تاریخی، اسناد یکی از موارد مهم و قابل توجه به شمار می‌رود و در میان انبوهی از اسناد، عریضه‌ها که به نوعی انعکاس دهنده صدای مردم نیز هستند؛ به عنوان منبعی برای پژوهش‌های تاریخی به ویژه در زمینه تاریخ اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرند. این پژوهش با تکیه بر بررسی ساختار اسناد ارسالی اصناف مختلف به مجلس شورای ملی در خلال سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۱ش، مطالبات و انتظارات عارضین را مورد مطالعه قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عریضه‌های مزبور از نظر ساختاری، ارکانی همانند سایر اسناد دارد و محتوای آنها دلالت دارد که مشکلات مالیاتی و چالش‌های بلدییه مهم‌ترین موضوعات مورد شکایت اصناف در آن زمان به شمار می‌رفته است. داده‌های مورد نیاز برای این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و خاصه آرشیوی جمع‌آوری شده است.

**کلید واژگان:** اسناد عرایض، اصناف، تاریخ اجتماعی، مجلس شورای ملی.

---

۱. دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام. پژوهشگر بنیاد ایران‌شناسی. [zohreh.shirinbakhsh@gmail.com](mailto:zohreh.shirinbakhsh@gmail.com)

## مقدمه

عریضه در لغت عبارت است از نامه‌ای که زیردستی به مافوق و یا کوچکی به بزرگی می‌نویسد، همچنین به معنی عرض حال و درخواست نامه است (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۳۴: ۲۱۳). نامه متضمن شکایت از کسی و نیز نامه‌ای که کسی به شخصیتی مهم و بلندمرتبه می‌نویسد (انوری، ۱۳۸۱، ج ۵: ۵۰۱۰). عریضه‌نویسی تا پیش از دوره صفوی و قاجار چندان رواج نداشت و بیشتر به صورت پراکنده و شامل موضوعات و درخواست‌های مختلف، از جمله تقاضاهای واگذاری زمین و یا شرح گرفتاری و یا مشکلی خاص بوده و از جریانی تابع روال مشخص پیروی نمی‌کرده است. اما این موضوع در خصوص عرایض کتبی صدق می‌کند؛ زیرا که رسم بیان شکایت و دادخواهی مردم به حکام همواره در حکومت‌های ایرانی وجود داشت، به طوری که حاکمان همواره دیوان مظالم را برپا می‌داشتند و به عرایض مردم رسیدگی می‌کردند. با توجه به روایت‌های تاریخی و گاه افسانه‌ای حمایت پادشاهان ایرانی و مشهورترین آنها انوشیروان عادل از روند اجرای عدالت و یا دست‌کم تلاش این حکمرانان برای متصف نمودن نام خود به صفت «عادل» و تداوم این رویه در شکل دیوان مظالم در حکومت‌های پس از اسلام، فرهنگ تظلم‌خواهی را می‌توان فرهنگی ریشه‌دار در ایران دانست و عریضه‌نویسی را رفتاری که در طول زمان به یک سنت فرهنگی پایدار تبدیل شده است (شوهانی، ۱۳۸۹: ۴۵-۴۷).

این رسم در دوره صفوی نیز ادامه پیدا کرد. از این دوره، عرایض مکتوب قابل توجهی برجا مانده است که در آرشیو مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود؛ اگرچه که سیر بروکراسی اداری و تشریفات فراوان ارسال عرایض از یک فرد معمولی به شاه در این دوره چنان طولانی بود که در عمل در بسیاری موارد شکایت از حکام ظالم غیرممکن می‌نمود (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۸۵).

از آغاز دوره قاجار به تدریج عریضه‌نویسی و بیان شکایت به صورت کتبی مرسوم شد، به نحوی که اوج عریضه‌نویسی در دوره پیش از انقلاب مشروطیت و هم‌زمان با دوره میانی قاجار مشاهده می‌شود. گسترش انواع وسایل ارتباط جمعی، مانند روزنامه، تلگراف، رواج استفاده از کاغذ و چاپخانه‌ها از یک سو و افزایش مشکلات اجتماعی، اقتصادی و ناامنی‌ها از سوی دیگر از عوامل مؤثر بر رواج عریضه‌نویسی عنوان شده است (طبری، ۱۳۸۸: ۴۶۵-۴۶۷).

پس از نخستین سفر ناصرالدین شاه به اروپا، با تشکیل صندوق عدالت و مجلس تحقیق مظالم به دستور او، عریضه‌نویسی رونق پیدا کرد. شاه می‌خواست مردم بدون تملق و چاپلوسی از درباریان و پرداخت رشوه به کسی، عرایض خود را به وی بفرستند (دامغانی، ۱۳۵۷: ۹۹). استمداد مردم به این مجلس بیشتر در زمینه خدمات عمومی و شهری بود که البته فرجام کار آن به جایی نرسید؛ زیرا که

این تشکیلات نه مرجع قضایی صحیحی بود و نه قدرت اجرایی داشت (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۴۱۳). تشکیل دارالشورای حکومتی نیز که به نوعی جایگزین دیوان‌های مظالم شد را می‌توان از عوامل مؤثر بر افزایش تعداد و کیفیت عریضه‌ها دانست (شوهانی، ۱۳۸۹: ۴۸).

پس از پیروزی مشروطه و تشکیل نهاد مجلس، با توجه به انتظارات مردم از آن به عنوان نهادی برای حل تمام مشکلات، عریضه‌نویسی دوباره رونق یافت. از نظر نویسندگان عرایض، در این زمان یک مرجع قانونی برای رسیدگی به خواسته‌ها و انتظارات مردم به وجود آمده بود. تشکیل کمیسیون مستقل در مجلس با نام «کمیسیون عرایض» و پیش‌بینی ساز و کار تعریف شده برای رسیدگی به عرایض مردمی در نظام‌نامه داخلی مجلس، نخست از حجم بالای عرایض و وصول شده به این نهاد خبر می‌داد؛ دوم، نشان می‌دهد که از زمان تشکیل رسمی کمیسیون عرایض به بعد، مجلس رسیدگی به عرایض و پاسخگویی به آنها را به عنوان یکی از وظایف اصلی خود می‌شمرد. حق ارسال عریضه از سوی مردم به مجلس و احقاق حق از این طریق در نخستین قانون اساسی نیز پیش‌بینی شده و مورد تصویب قرار گرفته بود: «هر کس از افراد ناس می‌تواند عرض حال یا ایرادات یا شکایات خود را کتباً به دفترخانه عرایض مجلس عرضه بدارد» (مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانونگذاری مجلس شورای ملی، ۱۳۱۸: ۹).

بر اساس ماده هفدهم نظام‌نامه داخلی مجلس مصوب ۲۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۷ قمری، در رأس هر سه ماه، هنگام تجدید شعبات، یک کمیسیون شش نفری موسوم به کمیسیون عرایض معین می‌شد (سامانه قوانین و مقررات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی). پس از تشکیل این کمیسیون، بخش عمده‌ای از زمان و کار دبیرخانه مجلس معطوف به بررسی، ارجاع و بایگانی عرایض شد و به این ترتیب مجموعه‌ای قابل توجه از عریضه‌ها در آرشیو مجلس جمع‌آوری گردید. البته بخش مهمی از این اسناد در حادثه به توپ بستن مجلس در سال ۱۳۲۵ ه.ق از بین رفت که اگر این اتفاق رخ نمی‌داد، اکنون آرشیو کامل‌تری از اسناد عرایض در دست بود. آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی با حدود چهار تا پنج میلیون برگ سند عریضه دارای بیشترین حجم اسناد عرایض در کشور و مجموعه‌ای از انواع مختلف عریضه نامه‌های ارسالی به مجلس شورای ملی و مجلس سناست (ططری، ۱۳۸۸: ۴۶۸). در این نوشتار با توجه به موضوع آن، ۱۰۴ پرونده سند، مشتمل بر بیش از ۵۰۰ برگ سند، مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۱. اهمیت عرایض در مطالعات تاریخی

اسناد تاریخی یکی از مهم‌ترین منابع برای پژوهش‌های تاریخی و شامل طیف وسیعی از فرمان‌ها و حکم‌ها، دست‌نوشته‌ها، گزارشات مالی، حقوقی و اجتماعی است. در صورت توجه به معیارهای نقد تاریخی، استفاده تحلیلی و همه‌جانبه و دوری جستن از نگاه‌گزینی، اسناد می‌توانند روشنگر بسیاری از نقاط مبهم و تاریک پژوهش باشند. در میان منابع تاریخ، اسناد اصالت و اعتبار بیشتری دارند. در این میان عرایض به عنوان یکی از انواع اسناد، نقش مهمی در مطالعات تاریخ اجتماعی ایفا می‌کنند. عرایض یکی از منابع بکر و درخور اهمیت برای مطالعات مربوط به اقشار وسیعی از جامعه هستند که از طریق آنها می‌توان طیف وسیعی از اطلاعات درباره جنبه‌های متنوعی از زندگی روزمره، کسب و کار و معیشت، شیوه مواجهه مردم با نهادهای دولتی، انواع دعاوی حقوقی، کیفری، ملکی و سایر داده‌های ارزشمند به دست آورد. این داده‌ها به ترسیم تصویری دقیق‌تر و نزدیک‌تر به واقعیت کمک خواهد کرد. عرایض، امکان دسترسی نزدیکتر و بهتر به دغدغه‌های مردمان عادی را فراهم می‌کند؛ کسانی که همواره در تحلیل‌ها و بررسی‌های سنتی تاریخ نگارانه نادیده گرفته شده‌اند. عریضه‌ها را می‌توان آینه‌ای تمام‌نما از نحوه معیشت و دلمشغولی‌های عمده گروه‌های مختلف مردم دانست و از آن در ترسیم شرایط اقتصادی و اجتماعی آنان بهره برد. در این تحقیق، نارضایتی‌ها و مشکلات اصناف و پیشه‌وران از نگاه عرایض بررسی خواهند شد. یکی از اهداف اصلاحات سیاسی و اجتماعی این دوره تأثیرگذاری بر گروه‌های دیگر اجتماعی از جمله اصناف بوده که با یاری و رهنمون گروه‌های بالادست جامعه از جمله روشنفکران انجام شده است، بنابراین، بررسی واکنش و عکس‌العمل این گروه اجتماعی نسبت به سیاست‌های دوره پهلوی اول، از خلال اسناد عرایض در شناخت و ارائه تصویری بهتر و گویاتر از سیاست‌های ناظر بر روند اصلاحات دوره پهلوی و تحولات اقتصادی و اجتماعی این مقطع کمک خواهد کرد. تمرکز بر اسناد عرایضی به عنوان نمادی از توجه به تاریخ طبقات عادی مردم (فروستان) در جامعه مد نظر قرار خواهد گرفت. این اسناد به عنوان یک منبع مطالعاتی مهم در عرصه مطالعات تاریخ اجتماعی، پژوهشگران تاریخ را به موضوعات زیادی رهنمون می‌کند، از جمله مواردی که مردم عادی از آن تظلم کرده‌اند. بدین ترتیب به نوعی پژوهش را از نگاه غالب و رسمی طبقه حاکم و قانون‌گذار، به سمت صدای توده‌ها و طبقات فرودست جامعه برده و با ذهنیات و تفکرات این طبقه آشنا می‌سازد. عرایض اطلاعات ذی‌قیمتی درباره مسائل و دغدغه‌های اقشار پایین دست جامعه ارائه می‌دهد که در هیچ منبعی قابل دسترسی نیست. این اطلاعات، به ویژه در یک رویکرد جدید به تاریخ نگاری مد نظر و توجه قرار می‌گیرد؛ رویکردی که در آن، داده‌های مربوط به «زندگی روزمره» افراد نه

تنها کم اهمیت تلقی نمی‌شود، بلکه به مراتب از برخی اطلاعات مندرج در منابع رسمی اهمیت بیشتری می‌یابد و تحقیق را به سمت نگارش تاریخ روزمره و مردمی می‌برد.

طرح مباحث حوزه تاریخ اجتماعی و گرایش به تحقیق در این زمینه که در سال‌های اخیر گسترش یافته است، سبب شد که تاریخ توده مردم و یا به قول هوبزباون «تاریخ عامه» (Hobsawm, 1997: 201)، به عنوان زمینه‌ای فراخ و پیش از این مغفول، در مطالعات تاریخی مورد توجه قرار گیرد. تاریخ اجتماعی نگاهی از پایین به تاریخ دارد و به کارنامه و زمانه کسانی می‌پردازد که خودشان توانایی و ابزار بیان و تألیف تجربیات خود را نداشته‌اند. بنابراین، نوشتن از تاریخ گروه‌های این‌چنینی، راهی سخت و ناهموار است (اتابکی، ۱۳۹۰: ۳۸).

عریضه به دلیل آنکه ناظر به درخواست‌ها و نارضایی‌های افراد و گروه‌های پایین هرم قدرت، یعنی گروه فرودست یا غیرنخبه جامعه است، می‌تواند بازتاب شرایط گروه‌هایی باشد که تأثیر آنها در تحولات تاریخی نادیده انگاشته شده است. توجه به عرایض به عنوان نمادی از توجه به تاریخ فرودستان<sup>۱</sup> به عنوان افرادی بی‌نام و نشان در مقابل روال دیرپای تمرکز بر تاریخ سلسله‌ها، حکومت‌ها و فرادستی‌ها مطرح است. هر آنچه تا پیش از این دوره در زندگی روزمره مردمان عادی بی‌اهمیت تلقی می‌شد، در عرایض نمود می‌یابد و به عنوان منبعی برای گشودن افق‌های تازه، موضوعات مغفول و حتی بازنگری نوشته‌های پیشین مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup> البته در بررسی و استفاده از اسناد عرایض توجه به چند نکته ضروری است:

### 1. Subaltern History

۲. اصطلاح «فرودست» را آنتونیو گرامشی (Antonio Gramsci) - نظریه‌پرداز ایتالیایی - در شرح و بسط مفهوم «هژمونی» (Hegemony) طبقه حاکم در جامعه سرمایه‌داری معاصر مطرح کرد. وی اعتقاد داشت طبقه حاکم نمی‌تواند به‌سادگی افکار و عقاید خود را بر طبقات فرودست تحمیل کند؛ فرودستان هژمونی را به صورت انفعالی نمی‌پذیرند، طبقه حاکم باید با در نظر گرفتن منافع و نیازهای طبقات فرودست به مصالحه دست بزنند و آراء و عقاید این طبقه باید مورد گفت و گو قرار گیرد و تعدیل شوند تا با تجربه زندگی روزمره طبقات فرودست سازگار شوند (ادگار و پیترسج: ۱۳۸۷: ۲۹۲). مطالعات فرودستان ابتدا در زمینه تاریخ‌نگاری پسااستعماری در هند پا گرفت. مورخ اجتماعی هند با مطالعه تاریخ استقلال هند با تاریخی ملی مواجه شد که در آن نقش عاملانی برجسته شده بود که با طرح تاریخ‌نگاری ملی هند هم‌خوانی داشته و در مقابل برخی رویدادهای دوره استعمار به عمد حذف شده بود؛ یعنی همان روشی که تاریخ‌نگاری استعماری به کار می‌بست. در تاریخ‌نگاری استعماری، نخبه استعمارگر و در تاریخ‌نگاری ملی، نخبه ناسیونالیست عاملیت دارد. اما شیوه حذف عوامل در اینجا یکسان عمل می‌کند. مطالعات ساب‌آلترن به سرعت از حوزه جغرافیایی هند فراتر رفته و در آمریکای لاتین و حتی اروپا مورد توجه مورخین واقع شد. در این مطالعات، نگاه تازه‌ای از طبقه، قدرت و سلطه در فهم عام مطرح می‌شود و عاملیت گروه‌های فرودست و نه الزاماً تهیدست در تحولات تاریخی مورد بازنگری قرار می‌گیرد (اتابکی، ۱۳۹۴: ۸۲-۸۳). طرح این پرسش که آیا «فرودستان می‌توانند سخن بگویند؟» از سوی اسپواک (Spivak) - مورخ اجتماعی هندی - به دیدگاهی نوین اشاره داشت که معطوف به خارج کردن تاریخ‌نگاری از انحصار فرادستان بود. وی مقاله جنجال برانگیزش را با این پاسخ به پرسش فوق به پایان برد که شخص فرودست نمی‌تواند سخن بگوید؛ زیرا او نمی‌تواند منصفانه وضعیت خود را مورد بررسی قرار دهد (Spivak, 1998: 271-313).

نخست آنکه در تحقیقات تاریخی متمرکز بر اسناد عرایض، همواره باید از یکسونگری دوری جست و به این نکته واقف بود که یکسویه دیدن شکایات و عدم توجه به مواردی چون انگیزه‌ها و اهداف قانون‌گذار در وضع و نحوه اجرای قوانین، پژوهش را از مسیر درست دور خواهد ساخت. دیگر آنکه با وجود پیوند زدن موضوع اسناد عرایض در پژوهش‌های اخیر به بحث فرودستان و تاریخ آنها که در همین تحقیق نیز اشاره‌ای گذرا به آن شد، در مواردی اطلاق عریضه‌ها به اسناد فرودستان مورد انتقاد قرار گرفته است. از این رو که بخش قابل توجهی از این اسناد به جامعه شهرنشین تعلق دارد؛ در حالی که تعداد زیادی از جمعیت ایران در این دوره، کوچ‌نشین و روستانشین بوده‌اند. بنابراین، مصداق اطلاق جزء به کل و محل اشکال است (شیرین کام، ۱۳۹۳: ۱۳۴). با این حال اصناف را می‌توان دست‌کم به عنوان گروهی که اغلب در پژوهش‌های تاریخی نادیده گرفته شده‌اند، مورد توجه قرار داد. در ضمن اگر فرودستان، افرادی نه لزوماً تهیدست، بلکه گروهی ناتوان از اعمال قدرت در جامعه دانسته شوند، به نظر می‌رسد که می‌توان اصناف را دست‌کم در این دوره تاریخی در زمره این گروه جای داد.

## ۲. ساختار و محتوای عرایض

درباره اسناد عرایضی پژوهش‌چندانی انجام نشده است. این کمبود منابع، به ویژه در عرصه ساختار و سندشناسی این نوع از اسناد بیشتر احساس می‌شود. بنابراین، برای بررسی اجمالی ساختار عرایض ناگزیر باید به تحقیقات پیشین استناد جست که درباره کلیات اسناد انجام شده است. بر اساس تعریفی که از چهار دسته کلی اسناد تاریخی، یعنی سلطانیات، اخوانیات، دیوانیات و اسناد مالی و حقوقی شده است، عرایض را می‌توان با توجه به محتوای آنها و با اغماض در گروه اسناد مالی و حقوقی جای داد. بر اساس پژوهش‌ها، اسناد مالی طیف وسیعی از مضامین، از جمله عرض حال‌ها را در برمی‌گیرد (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۴۱-۴۳). ساختار کلی اسناد تاریخی مشتمل بر دو قسمت متن و اضافات است. متن سند شامل قسمت‌های ۱. رکن مطلع (مقدمه) خطاب، القاب، دعا؛ ۲. رکن حال؛ ۳. رکن خاتمه و اضافات نیز شامل تحمیدیه، توقیع، طغرا، توشیح، مهر و تاریخ است (همان: ۱۴۷-۲۴۳). عرایض مورد بررسی نیز کم و بیش چنین ساختاری دارند که در ادامه شیوه نگارش و محتوای آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲.۱. رکن مطلع

همان طور که اشاره شد، مقدمهٔ سند عموماً با عبارات خطاب و القاب به کار رفته نسبت به گیرندهٔ سند و عبارات دعایی آغاز می‌شود. از آنجا که گیرندهٔ اسناد عریضه مجلس است، خطاب نسبت به این نهاد در عرایض با عباراتی چون «مجلس مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه» و نظیر این شروع می‌شود؛ عبارت دعایی «شیدالله ارکانه» در بسیاری عرایض عمومیت دارد. اما عبارات دعایی دیگر نظیر دامت برکاته، دامت بقاءه و شرافته، دامت شوکته العالی و دامت عظمته نیز به کار رفته است. همچنین کلماتی چون مقام (منیع، رفیع، مقدس، محترم) ریاست / وکلای مجلس و نامیدن مجلس با عناوین اغراق شده‌ای مانند «کعبهٔ آمال» و نمایندگان با عنوان «رب النوع» (کمام: ۹۴ج/۲/۱۴/۱۰۲/۷).<sup>۱</sup> نیز در این اسناد مصطلح است. معمولاً مجلس به طور کلی مورد خطاب قرار گرفته است، اما گاه رؤسای مجلس به نام و نمایندگان مجلس نیز مورد خطاب قرار گرفته‌اند: مانند مقام منیع حضرت مستطاب اجل اکرم ارفع اشرف آقای مؤتمن الملک رئیس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه (کمام: ۷۰/۱/۶/۵/۶) و مواردی مثل «خطاب عموم نمایندگان صالح ایران» (کمام: ۵/۱/۴/۳/۶) و «عرض حال و استغاثهٔ مظلومین بی‌پناه» (کمام: ۴۵/۱/۱۹/۴۱/۶).

## ۲.۲. رکن حال

بیان موضوع سند است که در مورد عریضه‌ها بخش اصلی طرح شکایات را دربر می‌گیرد. در طرح شکایات عرایض تلاش برای نشان دادن وخامت شرایطی که عارضین در آن قرار دارند، قابل توجه است. کیفیت بیان مشکل به شکلی کاملاً خاضعانه و فرودستانه، استفاده از عباراتی چون «عرض حال و استغاثهٔ مظلومین بی‌پناه» (کمام: ۴۲/۱/۱۹/۴۱/۶) و «صنف زحمتکشان پریشان» (کمام: ۵/۱/۴/۳/۶)، استعمال چند بارهٔ کلمهٔ «استرحام» در یک سند (کمام: ۴۹/۶/۱۶/۲۸/۶) و به کار بردن لحنی کاملاً خاضعانه در موارد احقاق حق شاکیان از یک وزارتخانه (کمام: ۵۳/۱/۱۸/۳۴/۶)، آشکار می‌کند که عارض یا عارضین در جست و جوی دلسوزی و به رحم آوردن مقام بالادستی برای رسیدگی به خواسته‌های‌شان بوده‌اند. استفاده از عبارات این‌چنینی به موضع ضعیف نگارندگان اشاره دارد: «از مقام مقدس استرحاماً تقاضا داریم که توجهی به موقعیت ضعیف بندگان و عائلهٔ پریشان ماها بفرمائید» (کمام: ۱۰۶/۲/۱۴/۱۰۲/۷). در این میان عرایضی مشاهده می‌شود که نویسندگان

۱. در این مقاله برای اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نام اختصاری «کمام» استفاده شده است.



آن نهایت استیصال و اضطراب صنف خود برای رفع مشکل، با چنین عبارتی نشان می‌دهند: «یا رسیدگی در امور ماها بفرمایند یا حکم اعدام ماها را بدهید از این زنده‌گانی بدتر از مرگ خلاص شویم» (کمام: ۹۴/ج ۲/۱۴/۲/۷/۱۰۲). این عبارات به ویژه در مواردی به کار رفته که کسب یک صنف با خطر جدی مواجه شده است؛ یا در مواقعی که صنفی تلاش کرده برای رسیدن به تخفیف مالیاتی و مواردی از این دست، با تنزل جایگاه اقتصادی و اجتماعی شغل خود به هدف برسد (کمام: ۷۹/۳۱/۱/۷/۱۴۸). البته نباید این مسئله را نادیده گرفت که در برخی موارد نیز لحن عریضه متفاوت است و عارضین به گونه‌ای دیگر علیه ظلمی که به زعم‌شان در حق آنها روا شده اعتراض می‌کنند، به کار بردن عباراتی چون «با صدای رسا عرض می‌کنیم دولت حق مداخله به کسب را ندارد» (کمام: ۲/۱/۲۲/۴۶/۶)، نوعی بیان حق طلبانه را در موضع عارضین نشان می‌دهد. در یک مورد حتی صنف عارض، نماینده شهر خود را به کوتاهی در انجام وظایف خود و عدم شایستگی برای حضور در مجلس متهم کرد: «حضرت عالی [که] نتوانید که رفع همچنین تعدی به ما بیچاره‌ها می‌نمایند، رفع نمایند و کالت حضرت اجل چه فایده دارد» (کمام: ۲۷/۱/۲۴/۵۱/۶). نویسندگان عریضه‌ای دیگر با لحنی تند و تهدیدآمیز در مذمت سربازی اجباری خطاب به نمایندگان می‌نویسند: «این قبیل انتشارات را موقوف و قدغن فرموده ممالک اسلام را آشوب فرمائید و الا با صدای بلند می‌گوئیم آنچه را فعلاً نباید گفت و قبول نداریم آنچه را که بخلاف قانون اسلام و تصویب علمای مذهب اثناعشری بوده باشد» (کمام: ۶/۴۸۹/۱۶/۲۸/۶).

به نظر می‌رسد در مواردی استفاده از عباراتی را که بر تعلق عارض یا عارضین به خاک ایران و یا دین اسلام تأکید دارد، می‌توان به نوعی با روحیه «حق طلبی» عارضین مرتبط دانست. گویی عارضین درصددند به مجلس یادآوری کنند که رسیدگی به خواسته‌های عارضین از وظایف مجلس است. چنانکه در عریضه‌ای، رسیدگی به دعاوی عارضین جزو «مطالبات حقه» آنها عنوان شده است (کمام: ۵۲/۱/۲۳/۴۸/۶) و در موردی دیگر آشکارا خطاب به مجلس تأکید شده که «حفظ و صیانت حقوق افراد ملت از وظایف مختصه» نمایندگان است (کمام: ۷۰/۱/۶/۵/۶).

با توجه به فلسفه ارسال عریضه که اصولاً برای احقاق حق نوشته می‌شد، شاید بتوان هدف محوری عرایض را اجرای عدالت و همچنین عریضه‌نویسی را تکاپویی در جست و جوی آن و رفع ظلم دانست؛ به ویژه که عدالت از مطالبات اصلی انقلاب مشروطیت و شروع مبارزه مردم علیه استبداد با تقاضای تأسیس عدالتخانه گره خورده بود. اشاراتی که در اسناد به انقلاب مشروطه و انتظاراتی که برای احقاق حق عموم طبقات پس از آن به وجود آمد و گاه لحن طعنه‌آمیز برخی عرایض؛ مانند «آیا



این است معنای مشروطیت...» (کمام: ۶/۵۱/۲۴/۱/۳۰)، به انتظارات صاحبان عریضه از مجلس به عنوان نهادی برآمده از مشروطه اشاره دارد. نهادی که وظیفه و کارکرد اصلی و عمده آن رفع ظلم از مظلوم انگاشته می‌شود. همچنین انتساب شاه و مجلس به عدل و داد انوشیروانی (کمام: ۶/۴۷/۲۲/۲/۱۲۴)، به نوعی نشان دهنده توقع عارضین به رسیدگی به عرایض و خواسته‌ها و اجرای عدالت است.

در عرایض مورد بررسی از نظر نوع نگارش، می‌توان به گفتار واحد در اغلب موارد اشاره کرد. شباهت عریضه‌ها به یکدیگر از لحاظ نوع نگارش را می‌توان به نوعی فضای عمومی در خصوص عریضه‌نویسی نسبت داد که کاتبان عرایض را به پیروی از آن و نگاشتن عریضه در یک قالب نسبتاً مشابه سوق می‌داد (شوهانی، ۱۳۸۹: ۷۳). همچنین از آنجا که افراد باسواد و مطلع هر صنف طبیعتاً عریضه‌ها را می‌نوشتند، می‌توان تصور کرد که سطح سواد و تسلط نویسندگان عرایض به ادبیات عریضه‌نویسی شباهت‌های زیادی به یکدیگر داشته است، افزون بر آن، در این عرایض نویسندگان از نظر شغلی نیز همگونی‌های زیادی داشتند؛ به همین سبب حتی از لحاظ نحوه اظهار عجز و شوربختی، غلط‌های املائی و بیان خواسته‌ها، این تشابهات قابل توجه است.

ارسال عریضه در مواردی پس از مراجعه به وزارتخانه ذیربط انجام می‌شد. در این موارد عموماً عدم دریافت پاسخ مناسب از سوی متشاک و یا باور به عدم رسیدگی عادلانه به مورد شکایت، صنف را ترغیب به ارسال عریضه به مجلس می‌کرد. در موارد این‌چنینی گاه حتی به وضوح اشاره شده که با توجه به نتیجه نگرفتن و حمایت متصدیان امر از یکدیگر عریضه نگاشته شده است (کمام: ۶/۴۶/۲۲/۱/۲۵). در مواردی به کار بردن چنین عباراتی: «خواهشمند است جواب عریضه را بخود دعاگویان مراجعه بدهید که دست مأمور هستم»، نشان از احساس فشار و هراس در عارض دارد که مبادا از سوی مأمورین محلی برای شکایت و اظهار نارضایتی در مورد عملکرد آنها مورد بازخواست قرار گیرند (کمام: ج ۳۶ / ۶/۴۶/۲۲/۱). جز مواردی اندک که پاسخ عرایض در پرونده موجود نبود و نمی‌توانستند در مورد آن اظهار نظر کنند، به اغلب عرایض بر اساس مورد شکایت پاسخ داده شده است. البته مواردی نیز وجود دارد که کمیسیون برای عریضه پاسخ در خوری نمی‌یابد و اذعان دارد که در موردی چون اختلاف بین مالک و مستأجر اقدامی نمی‌توان کرد (کمام: ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۱۰).

## ۳.۲. رکن خاتمه

بخش پایانی اسناد با تأکید و درخواست رسیدگی به خواسته عارضین به پایان می‌رسد. در این قسمت ضمن ابراز امیدواری برای عطف توجه به خواسته عارضین و ترتیب اثر دادن به آن از سوی



مجلس، با عباراتی چون مُسْتَدَعی، مُتَمَنی و دعاگویی برای مجلس و نمایندگان آن و استفاده از عبارات دعایی همچون امر امر مبارک است، یا امرکم مطاع، یا عدل و یا حکیم الغوث الغوث، زیاده جسارت است و... معمول است. همچنین قسم دادن برای ترتیب اثر دادن به عریضه نیز در برخی اسناد دیده می‌شود. مواردی نیز وجود دارد که در آن اعضای یک صنف در خاتمه عریضه خود اشاره کرده‌اند که در صورت عدم تحقق خواسته‌های شان ناچارند به اتفاق خانواده و اهل و عیال به تحصن در مجلس متوسل شده و یا دسته جمعی از کسب خود انصراف دهند (کمام: ۶/۳/۴/۱/۹). گاه امضای دسته جمعی در پایان عریضه با عباراتی چون «فدویان عموم اصناف و کسبه» را می‌توان دید (کمام: ۹۴/ج/۲/۱۴/۱۰۲/۷).

#### ۲.۴. تاریخ عرایض

در عریضه‌ها معمولاً پیش از یک تاریخ مشاهده می‌شود. تاریخ اصلی که به هر دو شکل قمری و شمسی و مربوط به اصل عریضه و عارض است، معمولاً در حاشیه بالای سمت راست وجود دارد. غیر از آن، تاریخ‌های مربوط به بایگانی‌ها نیز در سند وجود دارد.

#### ۲.۵. اضافات

استفاده از عبارات مخصوص حمد و سپاس خداوند که در فرامین به نام «تحمیدیه» مشهور است، در آغاز تعداد کمی از اسناد وجود دارد. عباراتی چون یا هو، بسم الله تعالی شانه و... و کلماتی چون مستحضر می‌داریم (کمام: ۶/۸/۷/۱/۵)، به عرض می‌رسانیم (کمام: ۶/۶/۶/۲/۹۸)، عرض می‌نمائیم (کمام: ۶/۳/۴/۱/۲۹)، نظر به آنکه (کمام: ۶/۵/۶/۱/۷۰)، معمولاً در ابتدای عرایض و برای آغاز مطلب به کار می‌رود.

#### ۲.۶. نام، مهر و امضای عارضان

نام فرد یا افراد ارسال کننده عریضه معمولاً در پایان عریضه نوشته می‌شده است؛ البته گاهی نیز در ابتدای عریضه، نویسنده آن خود را معرفی و سپس مطلب مورد نظر خود را عنوان می‌کرد. اگر عریضه از سوی جمعی از افراد یک صنف فرستاده می‌شد، در آغاز نام صنف فرستنده را ذکر می‌کردند. اما چنانکه اشاره شد، در اغلب عرایض نام و مهر عارضان در پایان دیده می‌شود. در مواردی اندک، واژه عریضه به شکل کشیده نوشته شده و ذیل آن نام عارض نوشته شده است. این شکل از نگارش واژه عریضه در برخی موارد به صورت یک خط صاف درآمده که عارض نام خود را زیر آن نوشته است (کمام: ۶/۵/۶/۱/۷۰). در برخی عرایض که اتحادیه‌ها و یا هیأت اصناف

یک منطقه ارسال کرده‌اند، مُهر آن هیأت یا اتحادیه نیز قابل رؤیت است. مهرهای هیأت‌ها و اتحادیه‌های اصناف به شکل دو دست است که یکدیگر را می‌فشارند (کمام: ۶/۴۹/۲۳/۲/۱۳۱). در برخی دیگر فرستادگان عریضه مُهر شخصی خود را با نام خود در پای نامه زده‌اند.

## ۲.۷. حاشیه سند

حاشیه اسناد عرایض معمولاً شامل نوشته‌ها و مهرهای کمیسیون عرایض است. نوشته‌هایی که بر ارجاع یک عریضه به دولت و یا وزارتخانه ذیربط و یا اقدامات مقتضی برای یک عریضه دلالت دارد و همچنین مهرهای ورود به دفتر، کابینه مجلس، نام و مُهر پاک‌نویس کننده‌های عرایض به این دلیل اهمیت دارد که روند رسیدگی به یک عریضه، در مواردی نتیجه، در واقع مراحل اداری گردش سند و بایگانی آن را نشان می‌دهد.

هشت ماده نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی مصوب ۲۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۷ به گردش اسناد و روال آن در کمیسیون عرایض اشاره دارد. بر اساس روال قانونی ارسال عرایض، شکایات به اسم ریاست مجلس نگاشته و به کمیسیون ارسال می‌شد. در مواردی نیز نمایندگان هر منطقه عرایض را به مجلس ارسال می‌کردند. مشخص بودن محل اقامت عارض یا عارضین بر اساس قوانین الزامی بود. و در این قوانین تصریح شده بود به عرایض ارسالی از سوی اجتماعات معابر، ترتیب اثر داده نمی‌شود (سامانه قوانین و مقررات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸). بنابراین، نویسندگان عریضه عموماً آدرسی برای ارسال پاسخ در پاکت درج می‌کردند که در اغلب موارد نشانی محل کسب عارضین در بازار بود. گاه آدرس در پایان عریضه و پس از نام عارض درج می‌شد.

بر اساس ماده ۶۷ نظام‌نامه داخلی مجلس، عرایض پس از ثبت در دایره صورت مجلس و ثبت خلاصه عرایض به کمیسیون عرایض فرستاده می‌شد (همان). در اغلب آنها، برگه خلاصه عرایض نیز موجود است که اتفاقاً در فهم بهتر آنها کمک می‌کند. سپس عریضه‌ها به کمیسیون عرایض ارسال می‌شد و در آنجا مورد بررسی قرار می‌گرفت. بنابراین، مهرهای «ورود به دفتر کمیسیون عرایض» و حاشیه‌هایی مانند نوشته‌های آن کمیسیون که بر اساس روند گردش عرایض می‌نگاشتند مشاهده می‌شود. مُهر ورود به کمیسیون عرایض، نشان از وصول عریضه به دست کمیسیون عرایض دارد. جملاتی چون «فوری است»، «دستور اقدام داده شده است»، «این مراسله اقدامی ندارد» به نوعی به تقسیم عرایض در کمیسیون بر اساس محتوا و اقدامات قابل انجام اشاره دارد.

ارجاع عرایض به وزارتخانه مربوطه و در مواردی به ریاست وزرا، مرحله بعدی اقدام در مورد

عرایض بود که در این مورد رئیس کابینه عریضه را به وزارتخانه متبوع خود ارسال و پاسخ نیز به همین روال به مجلس بازمی‌گشت. این روند در نظام‌نامه داخلی مجلس نیز پیش‌بینی شده است، بر اساس ماده ۶۹ نظام‌نامه داخلی مجلس، کمیسیون عرایض به ترتیب زیر در ارسال عرایض اقدام می‌کرد:

«ماده شصت و نهم- کمیسیون پس از رسیدگی به عرایض آنها را به ترتیب ذیل مرتب می‌نماید:

۱. عرایضی که رجوع آنها را به یکی از وزارتخانه‌ها صلاح می‌داند.
۲. عرایضی که علاوه بر ارجاع به یکی از وزارتخانه‌ها کمیسیون صلاح می‌داند که به ملاحظه مجلس برسد.

۳. عرایضی که رجوع آنها را به مجلس و وزراء بی‌فایده می‌داند.

دایره صورت مجلس صاحب عریضه را از هر یک از این سه قراری که کمیسیون درباره عریضه او داده است، مسبوق داشته و نمرة عریضه را به او می‌دهد» (سامانه قوانین و مقررات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸).

اما اینکه این روش رسیدگی به عرایض تا چه حد کارآمد بوده؛ خود بحثی مفصل است و نیاز به پژوهش و بررسی جداگانه‌ای دارد. اما با مراجعه به اسناد، جدا از اظهار ناخرسندی نسبت به تأخیر در پاسخگویی به عارضین، در مواردی معدود به چگونگی ساز و کار و روند معمول رسیدگی به عرایض از سوی عارضین اشکال وارد شده است. در یکی از این عرایض در اشاره به روند پاسخگویی آمده است: «بدبختی ما از اینجاست که مجلس از وزارت توضیح می‌خواهد وزارت هم از مالیه یعنی از کسی که از او تظلم شده البته آن هم که بر علیه خود توضیح نمی‌دهد البته مدعی و حاکم که یک نفر شد تظلم ما نتیجه نمی‌دهد» (کمام: ج ۱۳/۱/۲۲/۴۶/۶) این عریضه از معدود مواردی است که عارضین چنین روشی را برای پاسخگویی از اساس مورد سؤال قرار داده‌اند.

روال ارجاع شکایات به وزارتخانه ذی‌ربط رویه‌ای درست به نظر می‌رسد، اما از سویی این امکان نیز وجود داشت که وزارتخانه مورد نظر پاسخی به سود خود و یا کارکنانش دهد؛ کما اینکه در مواردی که فردی به نمایندگی از یک صنف شکایتی را مطرح می‌کرد، شکایت تنها با این توجیه که فرد مورد نظر نماینده صنف نیست، بدون پاسخ می‌ماند و صحت و سقم اصل شکایت بررسی نمی‌شد (مختاری اصفهانی، ۱۳۸۰: ۲۶۰-۲۶۲).

در اغلب موارد، عارض در صورت عدم احقاق حق عریضه‌ای دیگر می‌نوشت. در برخی عرایض از عدم رسیدگی به خواسته عارض، با وجود چند بار ارسال عریضه اظهار نارضایتی شده و در مواردی عارض عدم پرداخت رشوه (کمام: ۷/۸۶/۹/۱/۴۰) و یا شکایت از یک فرد بانفوذ

را (کمام: ۷/۱۱۵/۱۷/۱/۷۵) علت احتمالی عدم رسیدگی به عریضه خود دانسته است. از نظر محتوایی، بیشترین تعداد عریضه‌ها به ترتیب به موارد زیر اختصاص دارد:

**الف.** انواع مالیات‌ها، اعتراض به عدم توان مالی برای پرداخت انواع مالیات‌ها به ویژه مالیات‌های صنفی، عدم آگاهی نسبت به ساز و کار پرداخت مالیات، مشکلات با مأمورین مالیاتی در مورد پرداخت مالیات‌ها، بی‌توجهی مالیه به نظام بنیچه‌بندی<sup>۱</sup> اصناف و ...

**ب.** بلدیة و چالش‌های اصناف مختلف با این نهاد نوپا در مواردی چون تنظیم بازار ارزاق، عوارض بلدی، صدور جواز کسب، نظارت بر بهداشت عمومی اصناف.

**ج.** انحصار دخانیات و تهدیدات معیشتی ناشی از آن برای اصناف خرده‌پا و دست‌فروشان و موضوع قاچاق دخانیات.

**د.** واردات کالاهای خارجی (به ویژه منسوجات و کفش)، ناتوانی اصناف بومی در این رقابت و بی‌رونقی کسب و کار آنان.

**ه.** ورود تکنولوژی جدید حمل و نقل (اتومبیل) و ناتوانی و تهدید مشاغل سنتی حمل و نقل از جمله مکاری‌ها.

بنابراین می‌توان گفت، ورود نهادهای نوین مانند بلدیة به عرصه مدیریت شهری، واردات کالاهای خارجی و ناتوانی تولید کنندگان بومی در رقابت با این کالاها، اتخاذ سیاست‌ها و قوانین مالیاتی جدید و مواجهه جامعه ایران با تکنولوژی جدید، تنها بخشی از حجم عظیم تحولات تاریخی این دوره است که موجب دگرگونی‌هایی در موقعیت شغلی و اجتماعی اصناف بود. از جمله در پی این تحولات برخی مشاغل دچار رکود شده و برخی دیگر رونق گرفت.

### نتیجه‌گیری

عرایض به عنوان یکی از منابع مهم مطالعاتی، به ویژه در حوزه تاریخ اجتماعی دربردارنده اطلاعات گسترده‌ای از جنبه‌های گوناگون زندگی مردمان عادی و فرودستان در جامعه را ارائه می‌دهد که بهره‌گیری از آن برای ترسیم تصویری واقعی و همه‌جانبه از جامعه در دوره‌های تاریخی و به مثابه یک منبع مهم برای بررسی کنش‌های افراد و گروه‌های اجتماعی لازم و ضروری به

۱. بنیچه‌بندی سنتی کهن برای تعیین مقدار مالیات اصناف محسوب می‌شد. در این شیوه حکومت با کمک روسای اتحادیه‌های صنفی مبلغ کل مالیات و سهم پرداختی هر اتحادیه را تعیین می‌کرد. سپس هر یک از روسای اصناف مبلغ تعیین شده را میان اعضای اتحادیه تقسیم می‌کرد (فلور، ۱۳۹۲: ۴۷-۴۸).

نظر می‌رسد. لحن نوشته‌ها در طرح مطالبات در عرایض مورد بررسی، گاه خاضعانه و از موضع ضعف و گاه حق طلبانه است؛ اما در تمام موارد، عدالت و نیل به آن را می‌توان مطالبه اصلی این عرایض دانست. با این حال بی‌تردید، آنچه از مفهوم عدالت و انصاف مدنظر عارضین بوده است؛ در بسیاری موارد با برداشت متولیان امر از جمله در مجلس شورای ملی متفاوت است. همچنین مالیات، بلدیه، انحصار دخانیات، واردات و ورود ابزارهای جدید موضوعات اصلی شکایات را دربرمی‌گیرد که با توجه به تحولات گسترده این دوره باید مورد ارزیابی قرار گیرد.

### کتابنامه

- آدمیت، فریدون؛ ناطق، هما. (۱۳۵۶). *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوره قاجار*. تهران: آگه.
- آرشیو اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره‌های:
- ج ۹۴ - ۷/۱۰۲/۱۴/۲/۱۷۰ - ۶/۵/۶/۱/۷۰ - ۶/۴۱/۱۹/۱/۴۵ - ۶/۴۱/۱۹/۱/۴۲ - ۶/۳/۴/۱/۵ - ۶/۵۴۹/۱۶/۶/۲۸/۱/۵۳ - ۶/۳۴/۱۸/۱/۱۰۶ - ۶/۱۰۲/۱۴/۲/۱۰۶ - ۷/۱۰۲/۱۴/۲/۷۹ - ۷/۱۴۸/۳۱/۱/۷۹ - ۶/۵/۶/۱/۷۰ - ۶/۴۸/۲۳/۱/۵۲ - ۶/۲۸/۱۶/۶/۴۸۹ - ۶/۵۱/۲۴/۱/۲۷ - ۶/۴۶/۲۲/۱/۲ - ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۱۰ - ۶/۴۶/۲۲/۱/۳۶ - ۶/۴۶/۲۲/۱/۲۵ - ۶/۴۷/۲۲/۲/۱۲۴ - ۶/۵۱/۲۴/۱/۳۰ - ۶/۳/۴/۱/۹ - ۶/۳/۴/۱/۲۹ - ۶/۶/۶/۲/۹۸ - ۶/۸/۷/۱/۵ - ۷/۱۰۲/۱۴/۲/۱۰۶ - ۶/۳/۴/۱/۷۰ - ۶/۵/۶/۱/۷۰ - ۶/۴۹/۲۳/۲/۱۳۱ - ۶/۴۶/۲۲/۱/۱۳۰ - ۷/۱۱۵/۱۷/۱/۷۵ - ۷/۸۶/۹/۱/۴۰
- اتابکی، تورج. (۱۳۹۰). «صدای خاموشان». ماهنامه مهرنامه. سال ۲. ش ۱۷. آذر.
- اتابکی، تورج. (۱۳۹۴). «زایش طبقه کارگر و شکل‌گیری خودآگاهی طبقاتی». ماهنامه اندیشه پویا. سال ۴. ش ۲۵. اردیبهشت. صص ۸۲ - ۸۳.
- ادگار، اندرو؛ ویک، پیترسج. (۱۳۸۷). *مفاهیم بنیادی نظریه‌های فرهنگی*. ترجمه مهرا مہاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.
- انوری، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. ج ۵. تهران: سخن.
- دامغانی، محمدتقی. (۱۳۵۷). *صد سال پیش از این*. تهران: شبگیر.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۱). *لغت‌نامه دهخدا*. زیر نظر محمد معین. ج ۳۴. تهران: دانشگاه تهران.
- سامانه قوانین و مقررات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. نظام‌نامه داخلی مجلس مصوب ۲۶ ذی‌الحجه ۱۳۲۷ قمری. وب‌سایت تخصصی. (دسترسی در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۹۸).
- <<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90165>>
- سانسون. (۱۳۴۶). *سفرنامه سانسون (وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی، تحقیق و مطالعه دقیق درباره آداب و اخلاق و حکومت ایران)*. ترجمه تقی تفضلی. تهران: ابن‌سینا.

- شوهانی، سیاوش. (۱۳۸۹)، «عرایض رهیافتی به تاریخ فردستان (بررسی اسناد عرایض مجلس شورای ملی)»، گنجینه اسناد. سال ۲۰. ش ۷۹. صص ۴۲-۷۹.
- شیرین کام، فریدون. (۱۳۹۳). «کالبدشکافی کمیسیون عرایض در جامعه ایران؛ با نگاهی به کتاب اسناد قم در دوره پهلوی اول (مجلس ششم تا دوازدهم ملی)». فصلنامه اسناد بهارستان. دوره جدید. ش ۴. بهار - تابستان. صص ۱۲۹-۱۴۲.
- ططری، علی. (۱۳۸۸). «بررسی جایگاه عریضه در پژوهش های اسنادی». پیام بهارستان. دوره دوم. ش ۴. تابستان. صص ۴۶۵-۴۷۶.
- فلور، ویلم. (۱۳۹۲). «جایگاه اصناف در نظام سیاسی اقتصادی و اجتماعی ایران از دوران صفویه تا انقلاب اسلامی». ترجمه حمید حاجیان پور و زینب تاجداری. پارسه، س ۱۳. ش ۲۰. صص ۳۵-۶۲.
- قائم مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانونگذاری مجلس شورای ملی. (۱۳۱۸). تهران: مجلس شورای ملی، اداره قوانین و مذاکرات.
- مختاری اصفهانی، رضا. (۱۳۸۰). اسنادی از انجمن های بلدی تجار و اصناف ۱۳۲۰-۳۰. تهران: خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر ریاست جمهوری.
- Hobsbawm, Eric John. (1997). *On History*. United Kingdom London: Weidenfeld & Nicolson.
- Spivak, Gayatri Chakravorty. (1998). "Can the Subaltern Speak?". In C. Nelson & L. Grossberg. *Marxist Interpretations of Culture*. Basingstoke: Macmillan Education.